



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۸/۰۸



س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟
گفتار سی ام

پای گردان و سرگردان!

از میان همه حوادث مهم هفته گذشته قصد به ترور امرالله صالح را در فوق همه قرار می دهیم؛ نه به دلیل جریان بسیار خشن این حادثه و قربانیان زیادی که گرفت؛ و نیز نه به دلیل این که ترور مرکز قدرت در افغانستان را نشانه گرفته است بل به این دلیل که این حادثه چشم ما را بسوی آینده معطوف می سازد:
در انظار ده افغانان چی می گذرد؟ در انتظار آینده افغانان چی است؟

امریکایی ها در حال پای گردان از افغانستان هستند؛ این که معلوم نه شد از برکت حضور امریکاییان سر زیرپای شد، یا پای زیرپای شد، این بجایش؛ سوال این است که افغانان برای چی سرگردان هستند؟
مذاکرات امریکا با طالبان از یکطرف، و جریان انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان از طرف دیگر، یک وضعیت متناقض بوجود آورده است؛ و یافتن یک چشم انداز روشنتر از میان این همه جریانات متناقض به دقت بیشتر نیاز دارد؛ جناب داکتر خلیلزاد در صحبت های اخیر خود گفت که ایالات متحده امریکا و دولت افغانستان روی گام های بعدی توافق کرده اند. سه ملاحظه از سخنان خلیلزاد را برجسته می سازیم:

یکی این که گفت انتخابات باید دایر شود؛ اگر انتخابات دایر نه شود، معنا این می شود که ما [= امریکا] گویا قدرت را به طالبان سپرده باشیم؛ این نشانه یک حرکت از جانب خلیلزاد به سوی موضع غنی است؛ روشن شده است که نه تنها امریکا، بل حتی خود پاکستان هم طرفدار تأسیس یک «امارت» در افغانستان نیست؛ خلیلزاد گفت ما طالبان را می شناسیم اما «امارت اسلامی را نمی شناسیم»؛

دیگری این که خلیلزاد به پاکستان سفر کرد و، مطابق به نسخه غنی، با مقامات پاکستانی پیرامون روند صلح افغانستان به گفت و گو نشست و تأکید کرد که برای نیل به صلح، کابل و اسلام آباد تضمین بدهند که تروریست ها از خاک دیگری برای عملیات و حملات استفاده نمی کنند؛ عمران خان گفت شخص وی و اردوی پاکستان به این نظر هستند که {دیگر} در امور افغانستان مداخله نه شود؛ عمران خان گفته که بزودی «برای کمک به استقرار صلح در افغانستان» می خواهد به کابل بیاید؛ قریشی گفت پاکستان از صداقت و راستی خود به امریکا اطمینان داده است و بزودی از چهره آن هایی نقاب بر می دارد که عملاً از استقرار صلح در افغانستان ممانعت می کنند؛ خلیلزاد هم گفت یک عده از جنگ پولدار شده اند و صلح را به نفع خود نمی دانند؛

خبر بعدی این است که پرزیدنت ترامپ ظاهراً در نظر دارد، پس از امضای قرارداد صلح با طالبان، از کابل دیدار کند؛ گفته شد که این دیدار باید طی یکماه بعدی صورت بگیرد؛

درین میان یک هیأت عالیرتبه وزارت خارجه آمریکا وارد پاکستان شد؛ حدس زده می شود که این هیأت مقدمات دیدار پرزیدنت ترامپ از پاکستان را فراهم می کند؛ هرگاه چنین باشد، پس این نخستین دیدار یک رئیس جمهور آمریکا از پاکستان پس از ۱۸ سال است؛ ۱۸ سال پیش بوش به پاکستان آمد و آشکارا بجانب هند موضع گرفت؛ بدنبال وی اوباما به هند سفر کرد و نقشه اتحاد ستراتیژیک میان آمریکا و هند رویدست شد؛ و مثلث افغانستان و هند و آمریکا مبنای ستراتیژی آمریکا در جنوب آسیا قرار داده شد؛ اما اینک قرار معلوم آمریکا وارد یک تعامل اساسی با پاکستان می شود که بدست داکتر خلیل زاد آماده شده است؛ مهم این نیست که این تعامل، به چه مقیاسی هند را کنار می زند؛ و یا به چه مقیاسی در مقابل ایران موضع می گیرد؛ مهم این است که پس از چندین دهه که طی آن هند مقام مهمی در ستراتیژی منطقه ای آمریکا بازی می کرد، اینک بنظر میرسد که آمریکا دلایلی یافته است که بر پاکستان بیشتر متکی شود؛ و این کمی غیرمنتظره است، زیرا همین یک هفته پیش جنرال دنفورد به داکتر غنی اطمینان داده بود که در ستراتیژی آمریکا برای جنوب آسیا کدام تغییری نیامده است؛ اینهمه حرکات پیچیده یک پاسخ دارد: آمریکا و سعودی مصروف هستند که محاصره ایران را تکمیل کند!

بهر حال برارنده تر شدن جای پاکستان در سیاست آمریکا در منطقه ما، عواقب متعدد خواهد داشت؛ ایران شتاب زده اعلان کرد که یک صلح یکجانبه در افغانستان را قبول ندارد؛ هند در برابر این چرخشها عکس العمل داد؛ و همین دو روز پیش دور چهارم نشست امنیتی میان افغانستان و هند از سوی انستیتوت مطالعات ستراتیژیک دو کشور در کابل دایر شد؛ ینی کمار سفیر هند در کابل گفت که دهلی نو از تلاشهای صلح برهبری و مالکیت افغانها پشتیبانی میکند. این سخنان سفیر هند را جناب کرزی معنا کرد و گفت: پروسه صلح تا حالا در اختیار پاکستان و امریکاست؛ و جناب کرزی گفت خروج آمریکا از افغانستان باید مسؤولانه باشد؛ طالبان در پاسخ گفتند همان زمان که امریکایی ها می آمدند، چرا کرزی مسؤولانه بودن خروج شان را مطرح نکرده بود؟

داکتر سینتا یک گام فراتر رفت و گفت افغانستان و منطقه در حال تغییر بوده و امروز ما با اندوه در آستانه یک تغییر اجتناب ناپذیر در افغانستان و منطقه قرار داریم، تغییری که برای ما افغانان بسیار دردآور و غم انگیز است، شاید این مورد پسند ما نباشد، که نیست؛ اما واقعیت چنین است، به نظر من بخواهیم یا نخواهیم یک نوع طالبانیزه شدن سیاست جامعه آمدنی است.

•

مهمترین موضوع بحث کنونی در کابل این است که مذاکرات میان آمریکا و طالبان، انتخابات را طوری زیر سایه قرار داده است که انتخابات دایر نخواهد شد؛

اما بنظر میرسد علیرغم همه موانع و دشواری ها، و علی رغم همه فشارها و خطر ترور، باز هم انتخابات دایر خواهد شد؛ حتی اگر شورای کاندیدان به تحریم انتخابات فیصله کند، باز هم انتخابات دایر خواهد شد؛ همین دو روز پیش بیش از ۳۵۰۰ تن علمای کرام گرد آمدند و حمایت خود را از غنی اعلام داشتند؛ در این میان کسانی هم مانند معتصم آغا سابق وزیر در دولت طالبان در موضع حمایت از غنی قرار گرفته اند؛ بر خلاف تبلیغات و تهدید ها، صفوف قوای مسلح افغانستان از هم نپاشید؛ اردو و امنیت و خاندوی استوار در موضع دفاع از وطن و

دفاع از دولت قرار دارند؛ با در نظر داشت میزان قربانیان جنگ از صفوف قوای مسلح باید به تصریح گفت که این یک نشانه قهرمانی است؛ امروز غنی با سفرای کشورهای عضو ناتو در کابل دیدار داشت و با ایشان درباره چرایی ضرورت تدویر انتخابات را مطرح کرد؛

چند روز پیش غنی مانیفست اقدام سیاسی خود را نوشت، تحت عنوان «رسالت تاریخی این است که این فصل گرچه طوفان آفرین است، ولی باید تمام شود»؛ وی در این مانیفست نتیجه گیری کرد:

«سردار محمد داوود خان در زمان صدارت و بعد در زمان ریاست جمهوری اش، ظاهرشاه در دهه دموکراسی، و چپی‌ها در زمان حاکمیت شان، به نحوی از انحا به آجندای ناتمام دوره امانی برگشتند تا این فصل ناتمام تاریخ را تمام کنند. اما هیچ یک از آنها نتوانستند ثبات پایدار را ایجاد کنند. رسالت نسل جوان امروزی، قشر سیاسی و اقتصادی، و همه وطنداران افغانستان اینست تا با تدبیر، حوصله مندی و واقعیت‌گرایی نظام کنونی را به یک نظام با ثبات و مردم سالار تبدیل کنند تا از تکرار حوادث غم‌انگیز گذشته جلوگیری و شرایطی ایجاد شود که در آن آرزوها و خواست‌های مردم نجیب‌افغانستان در مورد صلح، آسایش، آرامش، ترقی و وحدت ملی به واقعیت زندگی‌شان تبدیل شود»

غنی می‌گوید: افغانان باید صاحب دولت شوند! افغانان باید «دولتمند شدن» را فرا بگیرند! اهمیت تاریخی موضع غنی در دوره بحرانی کنونی این است که به یک دولت مستقل ملی فرا می‌خواند!

غنی یگانه کاندید انتخابات کنونی است که با یک برنامه وارد انتخابات شده است! برنامه سیاسی غنی، برنامه یک مشروطه نو است!

مطبوعات، و در این مورد خاصاً اشاره میکنیم به مطبوعات روسی هم، معترف هستند به این که تیم غنی در انتخابات پیشقدم است؛ مطبوعات تأیید می‌کنند در حالیکه تیم غنی موفقانه وارد کارزار انتخاباتی شده است؛ در همین زمان سایر تیم‌های انتخاباتی یکی پی دیگر در حال فروپاشیدن هستند؛

در این میان چپی‌های دیروز برای یافتن یک موضع درست در برابر انتخابات کنونی هنوز هم مشغول مناقشه هستند؛ در فیسبوک این پیام از آدرس ح د خ ا نشر شد:

«افغانستان کشور اشغال شده است و در آن جنگ جریان دارد. انتخابات در چنین کشوری فقط یک نمایشنامه برای فریب مردم است، و هیچ مفهوم ندارد!»

این پیام را چند بار و بسیار دقیق باید بخوانیم!

چرا؟

چون دقیقاً همین سخنان را طالبان هم می‌گویند!

یک حزب، در گام نخست، به دلیلی سیاسی شمرده می‌شود، که مواضع آن با یک رویکرد مستدل از مواضع دیگران متمایز می‌شود!

جناب داکتر حبیب منگل در صحبت با تلویزیون بهار گفت:

«یگانه گزینه این است که در پروسه حل سیاسی و مسأله نظام، نیروهای مترقی وزنه عمده داشته باشند ... در غیر آن نیروهای ما در این وضعیت باید یک ترصد فعال سیاسی داشته باشند؛ و نباید موضعگیری به آدرس این جناح یا آن جناح و یا سازش‌ها با این گروه و آن گروه بکنند... مستقلانه به یک ترصد فعال سیاسی متوسل شوند تا که اوضاع

سیاسی در کشور روشن شود و این که مذاکرات به کجا می رود... بدیل همین نیرو های مترقی و وطنپرست هستند...
وحدت...»

داکتر حبیب منگل کدام نیرو های عملاً موجود را «بدیل» می داند؟ اگر منظور داکتر منگل همین چند تا سازمان باقیمانده چپ دیروز است؛ نخست این سازمان ها در کابل باهم «انتلاف» کرده اند؛ سپس این سازمان ها، و انتلاف شان، قبلاً به حمایت از یک کاندید سوق شده اند؛ اما خود این کاندید لُق شده است؛ و تیم انتخاباتی اش فروپاشیده است؛ و مقصد داکتر حبیب منگل از «ترصد فعال سیاسی» چیست؟

«ترصد فعال سیاسی» امر یک نیروی سیاسی عملاً موجود در میدان سیاسی است؛ مگر چنین نیرویی همین اکنون موجود است؟ داکتر منگل یک نیرویی را که عملاً موجود نیست، مفروض می گیرد، تا هدایات صادر کند! از آن دورانی که چنین یک حزبی عملاً موجود بود، سی سال گذشته است؛ و در این سی سال آن حزب چندین تجربه ناکام برای برگشت به میدان سیاسی را از سر گذرانده است؛ اینک سی سال بعد داکتر منگل کی را به کدام ترصد فعال فرا می خواند؟

و اما مهمترین مسأله را داکتر منگل بدرستی نشانی کرد: مسأله اساسی انتخابات کنونی مسأله نظام سیاسی است! بلی این مسأله، همین اکنون درپیش دست ما مطرح است: آیا نظام جمهوری می خواهید و یا امارت اسلامی می خواهید؟ در انتخابات کنونی سخن بر سر شخص نیست، سخن بر سر انتخاب در میان دو نهاد و موسسه «جمهوری» و یا «امارت» است!

در این انتخاب اساسی که امروز و آینده وطن، و هموطن، چون سر موی به آن بسته است داکتر منگل بکدام دلیل اعضای حزب دیروز را از صف انتخابات بیرون می کشد؟ و به «ترصد فعال» سوق می کند؟ آیا منظور داکتر منگل این است که ما با ترصد فعال ناظر آمدن «امارت» باشیم؟ چرا اعضای حزب سابق به جمهوری رأی ندهند؟ چرا اعضای حزب سابق در انتخابات شرکت نکنند؟

داکتر منگل چرا نمی خواهد و نمی تواند مستدل بسازد که در آشفته بازار سرسام آور کنونی، ما همه باید به موضع غنی بپیوندیم؟

داکتر منگل چرا توجه نمی کند که از کمبود های اساسی ما در وضع موجود، یکی هم فقدان اراده همگانی است؛ و انتخابات از وسایل مهم تأسیس یک اراده همگانی است؛

داکتر منگل چرا توجه نمی کند که از خبط های اساسی «چپ دیروز» این بود که «اراده حزب» را بجای «اراده همگانی» می نشانید!

داکتر منگل چرا توجه نمی کند که تأسیس و تحکیم یک حوزه عمومی فعال، و یک جامعه مدنی رهگشا، از وظایف اساسی روشنفکری افغانستان است؟ داکتر منگل چرا اعضای حزب سابق را از میدان همگانی بیرون می کشد؟ داکتر منگل چرا اعضای حزب سابق را از اثرگذاری برای تأسیس اراده همگانی منع می کند؟

جمهوری تأسیس کنیم، چون جمهوری یک نهاد با شمولیت همگانی است!

جمهوری تأسیس کنیم، تا اسیر «امارت» نه شویم!

جمهوری تأسیس کنیم، چون همین نظام جمهوری فرصت می‌گشاید که روشنفکران در تعیین سرنوشت مردم و وطن سهم فعال بگیرند! اگر امروز ممکن نه شد، فردا سهم بگیرند!

بدون تردید مبارزه برای صلح، و تأسیس دولت مستقل ملی، و عدالت اجتماعی، در افغانستان ادامه خواهد یافت؛ بدون تردید روشنفکران، و روشنفکران چپ، افغانستان درین میدان‌ها وارد پیکار خواهند شد؛ بنابر همه قرائن این پیکارها در مقایسه با آن چه مردم افغانستان تا کنون از سر گذشته‌اند، بمراتب سهمگین‌تر خواهد بود؛ اما از بحث در این مسایل به این موضعگیری نمی‌رسیم که در انتخابات کنونی شرکت نه شود؛ انتخابات کنونی سیاسی‌ترین انتخابات تاریخ معاصر افغانستان است؛ نه از طریق «ترصد فعال»، بل از طریق وسیع‌ترین شرکت در این انتخابات، راه آینده را بگشاییم!

جمهوری بسازیم، تا بتوانیم یک اپوزیسیون پر توان سیاسی تأسیس کنیم!

•

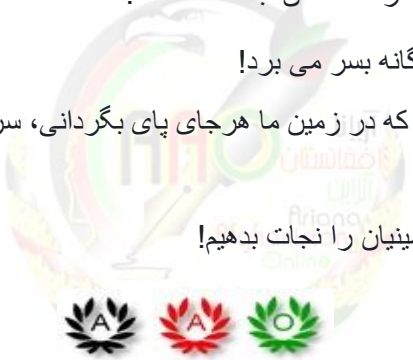
پرنس چارلز انگلیسی هشدار داد که جهان فقط ۱۸ ماه وقت دارد تا زمین را نجات بدهد!

ملل متحد اعلان کرد که در طی ماه جولای در افغانستان ۱۸ صد غیرنظامی جان باختند! و ۴۵ مورد خشونت بر علیه ژورنالیستان در شش ماه گذشته در افغانستان ثبت شده است!

حقیقتاً که دنیا در زیر سقف‌های جداگانه بسر می‌برد!

به پرنس چارلز پیام ما را کی برساند که در زمین ما هرجای پای بگردانی، سری از گردن بریده غرقه به خون افتاده است!

زمین را بگذاریم که سنگین است، زمینیان را نجات بدهیم!



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می‌توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (۳۰)

Rogh_h_۴۱_ba_aozaaye_watan_tshiguna_bengarem_۳۰.pdf